



Legislative Criminal Response Making in Support of Research Originality: A Critical Case Study of Two the Law and Provision

Mehdi Khaghani Isfahani ¹ 

1. Assistant Professor of Criminal Law and Criminology, Institute for Research and Development of Humanities (SAMT), Tehran, Iran., Email: khaghani1984@gmail.com

Abstract

Received:
21/02/2024
Revised:
06/05/2025
Accepted:
30/05/2025
Published
online:
28/06/2025

Fraud in the preparation and presentation of research works is among the serious crimes and violations that cause serious damage to the indicators of knowledge development in the country, which is criminalized in Single Article on Prevention and Combating Fraud in the Preparation of Scientific Works Act, approved in 2017. This Act is plagued by shortcomings that pose obstacles to reforming the country's legal policy making in preventing and punishing violations and crimes against research. Among the shortcomings of the aforementioned Act in protecting intellectual property rights and research ethics are the wide scope of the exceptions stated in Note (5) of the aforementioned Act, limiting the preventive duties of institutions to research crimes and neglecting the duty to prevent research violations in Note 7, violating the principle of personal legal responsibility in Note 9 of the aforementioned Act, which unjustifiably violates the financial fees of law-abiding academics who serve students who have submitted their theses in a fraudulent or criminal manner away from the professors' eyes, and excluding students' research violations from the scope of the law and limiting themselves to their crimes in Clause (d) of Note 6 of the aforementioned Act. There are also criticisms to the "Instructions on How to Investigate Research Violations and Examples of Research Violations" (approved by the Ministry of Education and Research in 2014). This article, using the method of critical analysis of regulatory discourse, within the framework of critical legal criminology, criticizes some of the shortcomings of regulations supporting research ethics and highlights the role of the prevalence of "academic bullying" in exacerbating the weakness of research ethics regulations.

Keywords: research criminal law, critical legal criminology, academic bullying, legislative criminal policy.

How To Cite: Khaghani Isfahani, M. (2025). Legislative Criminal Response in Support of Research Originality: A Critical Case Study of Two Laws and Regulations, *Insights of Intellectual Property Law in Islamic Countries*, 1(2), 49-65. <http://www.doi.org/10.22091/diplic.2025.11660.1015>





پاسخ‌گذاری جزایی تقنینی در حمایت از اصالت پژوهش؛ موردکاوی انتقادی دو قانون و مقرر

مهدی خاقانی اصفهانی^۱

۱. استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت)، تهران، ایران. رایانامه: khaghani1984@gmail.com

چکیده

تقلب در تهیه و عرضه آفرینه‌های پژوهشی، در زمره جرائم و تخلفات خطیر و موجب آسیب جدی به شاخص‌های توسعه دانش در کشور است که در ماده‌واحد قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی مصوب ۱۳۹۶، جرم‌انگاری شده است. این قانون، به نارسایی‌هایی مبتلاست که اصلاح سیاست‌گذاری حقوقی کشور در پیشگیری و مجازات تخلفات و جرائم علیه پژوهش را با موانعی روبه‌رو می‌کند. از جمله نارسایی‌های قانون مزبور در پاسداشت حقوق مالکیت فکری و اخلاق پژوهش عبارت‌اند از گستردگی قلمرو استثنائات مندرج در تبصره (۵) قانون مزبور، محدودسازی تکالیف پیشگیرانه نهادها به جرائم پژوهشی و غفلت از تکلیف به پیشگیری از تخلفات پژوهشی در تبصره ۷، نقض اصل شخصی بودن مسئولیت حقوقی در تبصره ۹ قانون مزبور که نقض ناموجه حق الزحمه مالی اساتید قانون‌مدار و خدمتگزار به دانشجویانی که پایان‌نامه را دور از چشم اساتید به نحو متخلفانه یا مجرمانه ارائه کرده‌اند و خارج کردن تخلفات پژوهشی طلاب از شمول قانون و اکتفا به فقط جرائم آن‌ها در بند (ت) تبصره ۶ قانون مزبور. همچنین نقدهایی به «دستورالعمل نحوه بررسی تخلفات پژوهشی و مصادیق تخلفات پژوهشی» (مصوب ۱۳۹۳ وزارت عتف) وارد است. این مقاله، به روش تحلیل انتقادی گفتمان مقررات، در چارچوب جرم‌شناسی حقوقی انتقادی، به نقد برخی اشکالات مقررات حامی اخلاق پژوهش می‌پردازد و نقش شیوع «قلدری آکادمیک» در تشدید ضعف حاکمیت مقررات اخلاق پژوهش را برجسته می‌نماید.

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۱۲/۰۳

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۴/۰۲/۱۶

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۰۳/۰۹

تاریخ انتشار

برخط:

۱۴۰۴/۰۴/۰۷

کلیدواژه‌ها: حقوق کیفری پژوهش، جرم‌شناسی حقوقی انتقادی، قلدری آکادمیک، سیاست جنایی تقنینی.

استناد: خاقانی اصفهانی، مهدی (۱۴۰۴). پاسخ‌گذاری جزایی تقنینی در حمایت از اصالت پژوهش؛ موردکاوی انتقادی دو قانون و مقرر،

آموزه‌های حقوق مالکیت فکری کشورهای اسلامی، ۱ (۲)، ۴۹-۶۵. doi.org/10.22091/diplc.2025.11660.1015



نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: دانشگاه قم © نویسندگان

مقدمه

به‌رغم افتخارات تحقیقات پژوهشگران کشور، برخی سوءرفتارهای علمی باعث آزرده‌گی جامعه علمی و عمومی کشور و سبب تضعیف فرایند توسعه علمی شده است. به دلیل اهمیت و حساسیت‌های ملی و بین‌المللی بروز حتی موارد معدود تخلفات پژوهشی تأثیر بسیار زیادی بر جایگاه علمی کشور خواهد داشت. تقلب تحصیلی از مشکلات رایج و روزافزون نظام‌های آموزشی است و آسیب‌های جبران‌ناپذیری به جامعه علمی وارد می‌سازد. نادیده گرفتن اخلاق دانشگاهی و ارتکاب به تقلب تحصیلی در دوره آموزشی و پژوهشی توسط دانشجویان، طی پژوهش‌های متعددی که جامع تحلیل پژوهش‌های عمده پیش از خود هستند، مورد گونه‌شناسی و علت‌شناسی و ارائه راهکار واقع ارائه شده است. کاهش تعاملات حضوری و نظارت‌های عینی از نظام آموزش و پژوهش، به‌ویژه از زمان پاندمی کووید-۱۹ بستر مناسبی برای تحقق یافتن امیال مجرمانه و دل بستن به سهولت ارتکاب جرائم و تخلفات پژوهشی، در وضعیت نظارت نداشتن عینی اساتید و ناظران پژوهشی بر عملکرد پژوهشگران غیرحرفه‌ای (اغلب دانشجویان کارشناسی ارشد) شد. حتی بسیاری از دانشجویانی را که بدو قصد تقلب پژوهشی ندارند، نیز تحت فشار برای مهیا کردن پایان‌نامه خود «به هر طریق» ولو با نقض اخلاق پژوهش و نقض مقررات ضدتقلب، نوشته‌ای دست‌وپا می‌کند و درصدد دفاع از این پایان‌نامه‌نما و اخذ مدرک تحصیلی خواهد بود. این بحران، دامن‌گیر طیف‌های مهم‌تر محققان، شامل مجریان طرح‌های پژوهشی نهادهای رسمی و برخی اعضای هیئت علمی (گرچه بسیار اندک و البته نامعلوم به دلیل فقدان پژوهش در این زمینه) نیز شده است. این معضل البته دشواره‌ای در مقیاس جهانی است، اما ارتقای حقوق مالکیت فکری در ایران ضرورت تقویت سیاست‌گذاری و تحقق دستاوردهای عینی در جهت کاهش این معضل در جامعه علمی ایران را بایسته می‌نماید.

اگرچه رشد تولید علم در سال ۲۰۱۷ نسبت به ۲۰۱۶ در جمهوری اسلامی ایران در میان ۲۵ کشور برتر تولیدکننده دانش در سال ۲۰۱۷ برابر با ۸.۹ درصد بوده و در مقایسه با سایر کشورها در رتبه اول دنیا قرار گرفت و تولید علم در رتبه ۱۶ جهان و از نظر مقالات کلیدی و استنادی برای دیگر پژوهش‌ها در رتبه ۱۷ جهان قرار گرفت، اما افول رتبه کشورمان در شاخص رشد تولید علم از رتبه ۱ به ۷ در سال ۲۰۱۸ و عدم جهش بعدی آن، از جهات متعددی به‌ویژه از بُعد سیاست‌گذاری حقوقی قابل بررسی است. نقش نارسایی‌های قوانین متولی حمایت حقوقی از هنجارمندی پژوهش‌های دانشگاهی، در این تنزل رتبه، انکارناپذیر است و ضعف مقررات حامی پژوهش، در این افول بی‌تأثیر نیست. از این‌رو، ضمن اهمیت تدابیر پیشگیرانه، تحلیل ضمانت‌اجراهای کیفری، اداری و صنفی انتظامی در مواجهه به این جرائم و تخلفات، اهمیت ویژه‌ای دارد که برخی ابعاد آن با تأکید بر جنبه جرم‌شناسی حقوقی انتقادی در این مقاله بحث می‌شود.

۱. مفاهیم و مبانی نظری «سیاست جنایی در قبال تخلفات و جرائم علیه پژوهش»

تحولات مفهومی «سیاست جنایی»، مدخل این مبحث از نوشتار است. سیاست‌گذاری جنایی (به‌مثابه کنش‌فرایند) و پیش از آن، دانش سیاست جنایی، از جمله موضوعات پیچیده حکمرانی است که عوامل پرشمار تأثیرگذار، ساحت‌های وسیع، کنشگران متعدد و پیامدهای فراوان دارد. در سیستم‌های پیچیده، به‌منظور کنار آمدن با پیچیدگی بیش از اندازه نیاز به در نظر گرفتن ساختارهایی مناسب است، نه ساختارهای متمرکز و نه غیرمتمرکز، بلکه ساختارهایی با توازن صحیح که قادر به سازگاری با تنوع محیطی باشند و نظام معنایی و ابزارهای مادی و انسانی مناسب جهت چالش‌یابی ساختاری و کارکردی و پایشگری پویا داشته باشند تا بتوانند به مانایی حکمرانی مدد برسانند. سیاست جنایی، از جمله پیچیده‌ترین سیستم‌های شناختی رفتاری در ساحت حقوقی حکمرانی عمومی است.

اصطلاح سیاست جنایی عمدتاً در کشورهای حقوق‌نویس رواج دارد و در کشورهای حقوق‌کامن‌لا چندان مطرح نیست (مرادی، ۱۴۰۲: ۱۰۴). اغلب جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان آمریکایی دست‌کم در ایالت متحده با صرفه‌جویی حتی در به‌کار بردن واژه سیاست جنایی و بررسی این زمینه و مطالعات مربوط به آن در قلمرو مطالعات جرم‌شناسی و عدالت کیفری از کنار مسئله گذشته‌اند (نیوبورن و تریور، ۱۳۹۴: ۹۱). دنی زابو در مقام تعلیل وجود تفاوت بین جرم‌شناسی اروپای قاره‌ای و جرم‌شناسی کشورهای آنگلو‌ساکسون در این زمینه می‌نویسد: «جرم‌شناسی که به خصوص در امریکای شمالی پیش از آشنایی با «حقوق»، با علوم اجتماعی آشنا شده‌اند و در قیاس با هم‌تایان اروپایی خود، به‌طور سنتی نقش فعال‌تری در سیستم عدالت کیفری ایفا کرده‌اند، از آنجا که عمدتاً پزشک یا روان‌شناس‌اند، به بررسی تعریف مارک آنسل [و پس از او، دلماس‌مارتی] از عدالت کیفری، علاقه‌چندانی نشان نمی‌دهند» (دلماس‌مارتی، ۱۳۹۸: ۱۰۹). این را نیز باید دانست که اصطلاح سیاست جنایی در قلمرویی که در آن رواج یافته، کاربرد واحدی نداشته و بسته به شدت و ضعف گرایش نویسندگان به حقوق، جرم‌شناسی یا جامعه‌شناسی، در معانی متفاوتی به‌کار رفته است. فقدان تعریفی یگانه که بر سر آن توافق شده باشد موجب بروز نوعی ابهام در مفهوم سیاست جنایی شده است، به‌گونه‌ای که در توصیف آن گفته شده است: «چارچوبی بسیار نامشخص، هویتی بحث‌انگیز، هنوز به‌طور گسترده ناشناخته، پارادوکسیکال، کشیده شده بین دو تمنای متعارض و متعدد الآباء و دارای مدعیان پرشمار». «سیاست جنایی، حوزه‌ای از معرفت (علم و ایدئولوژی) است که ذاتاً متضمن برنامه‌راهبردی کنشی و واکنشی نسبت به پدیده مجرمانه و نیز سیاست‌گذاری درباره مدیریت مسائل کاربردی در ذهن و رفتار مأموران نظام عدالت کیفری و اقشار مردم است؛ بنابراین، «مبانی»، «راهبردها» و «کاربست‌ها» سه سطح سیاست جنایی هستند» (خاقانی اصفهانی، ۱۳۹۲: ۴۵).

پس از تبیین تحولات مفهومی سیاست جنایی، اینک به تحلیل پویایی جرائم و تخلفات علیه پژوهش و نارسایی‌های حمایت کیفری از پژوهش می‌پردازیم. دستبرد علمی، دستبرد به خود، داده‌بافی، دروغ‌پردازی،

نادرستی در نام نویسندگان، دستبرد علمی با تغییر زبان و انواع سوءرفتارهای حرفه‌ای، از منظر جرم‌شناسی سازمانی که به مطالعه جلوه‌های بزهکاری در نهادهای خاص و عوامل ویژه و سازمانی ارتکاب آن‌ها می‌پردازد، ریشه در زنجیره پیچیده‌ای از اسباب دارد. از جمله جلوه‌های فردی سوءرفتار پژوهشی عبارت‌اند از کم‌دقتی نویسندگان در درج استناد، عدم آشنایی با قواعد نگارش علمی، ناآشنایی با نوشتن به‌طور کلی و عدم اعتماد به نفس برای نگارش، نادیده گرفتن عامدانه قواعد اخلاقی و قانونی مثل تبلی، راحت‌طلبی، عدم پایبندی به اخلاق و... است (رشیدی، ۱۴۰۰: ۵۲). عواملی مانند علاقه مفرط به پیشرفت ظاهری بدون پایبندی به موازین اخلاق پژوهش. از جمله جلوه‌های ریشه‌دار در عوامل دانشگاهی (ساختاری) سوءرفتارهای پژوهشی، عبارت‌اند از کم‌توجهی دانشگاه‌ها به آموزش صحیح نگارش علمی، فشار برای تولید آثار علمی، ضعف آگاهی از قوانین و مقررات درباره تخلفات در دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی و ضعف نظارت بر اجرای قوانین که همگی منجر به عمومیت یافتن و شیوع ناباورانه سوءرفتارهای پژوهشی در مجامع علمی و افکار عمومی شده است.

موانع ساختاری، قوانین و مقررات نامتناسب، نظارت ضعیف، فرهنگ سازمانی منفی، قلدری‌های آکادمیک و مجموع وسیعی از دیگر عوامل ساختاری و کنشی، توان سازوکارهای رسمی حقوقی و اداری و... علیه تخلفات و جرائم پژوهشی را کاسته است (خاقانی اصفهانی، ۱۴۰۲: ۲۹). گونه‌های تخلفات و جرائم علیه پژوهش، فزاینده و دائماً تحول‌یابنده هستند. در این میان، هوش مصنوعی، بسترهای شگرفی برای افزایش فرصت برای این کژروی‌ها و جرائم فراهم آورده است. «حمایت کیفری از آثار فکری هنری در نظام‌های فرانسه و بعضاً آمریکا بر موازین جرم‌انگاری مبتنی بوده و در تعیین ضمانت اجراها به ماهیت نوآورانه، هنری و اقتصادی آفریده‌های فکری توجه شده؛ اما در ایران، نابسندگی رعایت موازین جرم‌انگاری رفتارهای نقض حق و عدم تناسب و نابسندگی ضمانت اجراهای موجود از چالش‌های عمده حمایت کیفری به‌شمار می‌آیند» (عالیخانی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۴۱). از جمله عوامل نارسایی حمایت کیفری از پژوهش، دکترین‌های تقلیل‌گرا در مورد اصالت حقوق مالکیت فکری است.

برخلاف دیدگاه غیراصالت‌گرا و تقلیل‌گرای برخی حقوق‌دانان در مورد حقوق مالکیت فکری که معتقدند «حقوق مالکیت فکری رشته‌ای میان‌رشته‌ای و از شاخه‌های حقوق اقتصادی به‌شمار می‌آید و به‌منزله وسیله و ابزار اقتصادی تلقی می‌شود، نه غایت؛ یعنی هدف نهایی نیست، بلکه ابزاری است که قواعد حقوقی تنظیمی در این حوزه به‌گرددش متغیرهای اقتصادی یاری می‌رساند» (خلیل‌اللهی و همکاران، ۱۴۰۳: ۵۳۶). با این حال، نگارنده بر «اصالت حقوق مالکیت فکری» باور دارد و آن را صرفاً ابزاری انتفاعی یا زیرمجموعه‌ای از حقوق اقتصادی نمی‌داند. در مجموع، سیاست جنایی به‌مثابه دانش و عمل سیاست‌گذاری عمومی با ابزار جرم‌انگاری، پیشگیری از جرم، دادرسی و پاسخ‌گذاری کیفری و شبه‌کیفری، متولی مواجهه پیشینی و پسینی با جلوه‌های متخلفانه و مجرمانه سوءرفتارهای پژوهشی ناقض حقوق مالکیت فکری است. سیاست جنایی ایران در قبال

جرائم علیه حقوق مالکیت فکری، به ویژه در بخش آثار ادبی و هنری و خصوصاً پایان‌نامه‌ها دچار کاستی‌های تقنینی فاحشی است که برخی از آن‌ها در این نوشتار بحث و نقد می‌گردد.

۲. قلدری آکادمیک؛ تهدید نرم و خاموش علیه اصالت پژوهش

نگارش و ابلاغ صرف دستورالعمل عمل علمی خوب، به استقرار سلامت علمی نمی‌انجامد. «دستورالعمل عمل عملی خوب برای ایضاح و تصریح روال‌هایی از پیش موجود به نگارش درآمده که مورد توافق دانشمندان و پژوهشگران در یک اجتماع یا نهاد علمی خاص بوده است. لذا تهیه و نگارش این دستورالعمل، عمیقاً وابسته به شرایط درونی یک نهاد پژوهشی آموزشی مستقل خواهد بود» (الستی، ۱۴۰۰: ۳۰). یکی از مهم‌ترین تهدیدها علیه پژوهش که در «شرایط درونی» مؤسسات آموزشی و پژوهشی ایران (دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، مراکز رشد، پارک‌های علم و فناوری، مراکز تحقیقاتی و...) نیازمند تعمیق آسیب‌شناسی است، تهدیدی است که آن را «قلدری آکادمیک» می‌نامیم.

«قلدری آکادمیک، پیوند پویا و دوسویه‌ای میان دانشگاه و کنشگران آن است و پدیده اجتماعی چندعلتی است که طیف گسترده‌ای از سطوح از جمله عوامل فردی و سازمانی را در برمی‌گیرد» (رشیدی و روحانی، ۱۴۰۱: ۱۰۸). تخریب شخصیت علمی قربانی، تضعیف، تحقیر و به حاشیه راندن او، اشاعه شایعات بی‌اساس، نظارت بیش‌ازحد، تلاش برای یافت عیوب قربانی، توطئه و استفاده از دوستان نزدیک قربانی برای خیرچینی، محدود ساختن دسترسی قربانی به منابع سازمانی، نادیده گرفتن یا کوچک‌شماری موفقیت‌ها و بزرگنمایی خلأهای کوچک قربانی، ممانعت یا به تعویق انداخت ترفیعات او، دعوت قربانی به جلسات غیررسمی انضباطی و تهدیدهای مکرر کلامی یا کتبی به اخراج بر اساس اتهامات ساختگی یا بهانه‌های ناچیز، بازپس‌گیری مسئولیت‌های قربانی و اجبار به استعفا، تعدیل و بازنشستگی پیش از موعد، ازجمله رفتارهای ایذایی قلدران آکادمیک است. قلدران آکادمیک به شیوه هوشمندانه‌ای قربانیان را افرادی توصیف می‌کنند که کار با آن‌ها سخت و غیرممکن است و آن‌ها را مقصر مشکلات آکادمیک می‌دانند. آن‌ها به دروغ، قربانیان را به شروع ناسازگاری و خشونت در سازمان متهم می‌کنند. البته مثال‌های مذکور، بارزترین و سهل‌الکشف‌ترین جلوه‌های قلدری آکادمیک است و این نوع قلدری، قلمرو بسیار گسترده و نمودهای وسیعی دارد که بسیار کم‌پژوهیده و از منظر تحلیلی علوم جنایی و جرم‌شناسی در فضای علمی کشور، به جرئت، ناپژوهیده است. برای مثال درباره این جلوه‌های پرشمار و کم‌پژوهیده، هم‌نویسندگی‌های اجباری، پدیده‌ای ناروا و مصداق هتک شأن پژوهش و

جلوه‌هایی از تخلف^۱ و بعضاً جرم است و عوامل خاص و مستقلی دارد. به‌طور کلی و نه محدود به اساتید رشته خاصی در کشور خاصی، سوءاستفاده برخی استادان از قدرت آکادمیک علیه دانشجویان یا حتی علیه استادان جوان و قطعیت نیافتۀ شغلی (در وضعیت استخدامی پیمانی، یا در شرف جذب) یا علیه استادان زن^۲ یا آسیب‌پذیر بنابه طیف وسیعی از عوامل، گاهی در قالب الزام صریح یا ضمنی به درج نام فردی (شخص سوءاستفاده‌گر یا شخص ثالث) که مشارکت واقعی در تألیف نداشته یا در حدّی که استحقاق درج نام در اثر بیابد را نداشته، جلوه‌هایی از پدیده بسیار رایج اما کم‌پژوهیده «قلدری آکادمیک» است. انتظار از پژوهشگر زیردست به انجام فعالیت علمی بیش‌ازحد توافق یا موظف، گروکشی علمی و گسترۀ وسیعی از رفتارهای مشابه، هم‌نویسندگی‌های اجباری را خلق می‌کند.

قلدری آکادمیک، نمودی از انحراف در روابط قدرت است؛ واژگونی شایستگی علمی و ردالت علمی‌نما. از این رو، می‌تواند موضوع مطالعه «جرم‌شناسی انتقادی»^۳ باشد. تبیین مفهوم، مبانی، جلوه‌ها و پیامدهای پدیده «قلدری آکادمیک» به‌مثابه یکی از گونه‌های پیچیده و تاریک فساد دانشگاهی، زمینه برگزینش آموزه‌های علت‌شناسانه و پیشگیرانه پیرامون فساد و قلدری سازمانی یا دانشگاهی، از نظریه‌های جرم‌شناختی تعارض فرهنگی، فشار اجتماعی، حقوقی انتقادی، سازمانی، برچسب‌زنی، تعامل‌گرایی، خودکنترلی و پست‌مدرن را فراهم می‌کند. دسته‌بندی تقییحی و آسیب‌شناسی جزئی مواد قوانین و مقررات بستر ساز قلدری آکادمیک و ضوابط حقوقی منفعل در مهار این پدیده، در قوانین و مقررات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و قوانین و مقررات عمومی و اداری استخدامی کشور نیز امکان پیشنهاد متن جایگزین مواد قانونی نادرست، به منظور کاهش گلوگاه‌های حقوقی قلدرساز در محیط‌های آکادمیک را مهیا می‌سازد.

یکی از حیطه‌های قابل تصور برای ارتباطی میان «بزه‌دیده‌شناسی قلدری آکادمیک» با «سیاست جنایی درباره قلدری آکادمیک»، مدل سیاست جنایی آنارشیست است. «در شرایط خلأ قانون‌گذاری و فقدان مقررات‌گذاری جهت حمایت از قربانیان قلدری آکادمیک و پیشگیری و مجازات آن، یک نوع خودگردانی و خودمدیریتی با محوریت آکادمیسین‌ها مورد نیاز است که با تکیه بر تکثر واکنش‌های قابل انجام در خودیاری

۱. فهرستی از این تخلفات، مندرج در دستورالعملی که بسیاری از اعضای هیأت علمی (حتی برخی اساتید حقوق، حسب اطلاع و گفتگوی شخصی نگارنده با ایشان) از وجود آن بی‌خبراند: دستورالعمل نحوه بررسی تخلفات پژوهشی و مصادیق تخلفات پژوهشی، (ابلاغی وزارت عتف- ۱۳۹۳/۱۲/۲۵). شوربختانه پس از نخستین چاپ جلد دوم کتاب «مجموعه قوانین و مقررات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری» در بهار ۱۳۹۲ توسط انتشارات سازمان سنجش آموزش کشور با همکاری معاونت حقوقی و امور مجلس وزارت عتف، این کتاب تجدیدچاپ نشد و قوانین و مقررات بعدی، تنها از طریق جستجو در پایگاه‌های انتشار قوانین به‌طور پراکنده قابل دستیابی است و البته دچار معضل عدم تنقیح و ابهام در مقررات ناسخ و منسوخ و اطلاق و تقیید مواد بر یکدیگر و دیگر مشکلات تقییحی و تفسیری می‌باشد.

۲. یکی از معدود مطالعه‌ها پیرامون آزار جنسی در دانشگاه (که محدودیت روشی [مصاحبه با تنها ۱۵ دانشجو در فقط یکی از دانشگاه‌های دولتی استانی مرزی] به‌ویژه در جامعه آماری، محدودیت بازه‌های زمانی و مکانی، اخلاقی و... دارد، اما به‌رغم این مشکلات باز هم مفید است): کشاورزو همکاران، (۱۴۰۱).

3. Critical Criminology

بزه‌دیده این نوع قلدری، ابتکار عمل بزه‌دیده در دفاع از حقوق آکادمیک خود که در معرض تضییع از سوی قلدرهای آکادمیک است، مشروع به نظر می‌رسد» (خاقانی اصفهانی، ۱۴۰۲: ۳۴). وانگهی، چون سیاست جنایی برآیند تعامل رشته‌های گوناگون است و غایت آن، تضمین امنیت انسان‌ها، ارتقای حقوق قربانیان و بقای جوامع انسانی و تلاش برای مدیریت پدیده جنایی اعم از جرم و انحراف است ضمن کوشش مصمم و مداوم در مسیر توجه دادن به سیاست‌گذاران علمی کشور جهت تخلف‌انگاری انواع قلدری آکادمیک و حتی جرم‌انگاری جلوه‌های فاحش آن و تحریک ذهن اعضای هیئت‌های تخلفات اعضای هیئت علمی و تخلفات اداری و کنشگران دستگاه‌های نظارتی به‌ویژه در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری جهت تنویر پدیده شوم قلدری آکادمیک و جلوه‌ها و عوامل و پیامدهای آن و ابزارهای موجود و ناموجود اداری و انضباطی و مدنی و صنفی و حقوقی و کیفری، هم‌زمان باید در تولید دانش و گفتمان مناسب در ادبیات سیاست جنایی کشور در شناخت علمی این پدیده پیچیده -این انحراف یقه‌سفیدی آکادمیک- کوشش شود.

از سوی دیگر، قربانیان قلدری آکادمیک، افزون بر بزه‌دیدگی از سوءاستفاده از قدرت توسط همکاران دانشگاهی خود، بزه‌دیده جرم حکومتی نیز به شمار می‌روند؛ زیرا فقدان ضوابط حقوقی پیشگیرنده از قلدری آکادمیک، به‌سان ترک فعل حاکمیت در صیانت از آزادی و آرامش آکادمیک است و خود موجب تجزی قلدرهای آکادمیسین در این زورگویی‌های جرم‌انگاری نشده و تخلف‌انگاری نشده می‌گردد. همچنین وجود مقررات اداری و رویه‌های سازمانی ترفیع، تبدیل وضعیت و ارتقای مرتبه علمی که اشکالات فاحش و نارسایی‌های بزرگش مورد نقدهای فراوانی قرار گرفته،^۱ ساحت ایجابی و نه فقط ترک فعلی جرم حکومتی به شمار می‌رود.

«سهم بالای مقالات سلب اعتبار شده ایرانی بسیار قابل تأمل است. رعایت اخلاق در پژوهش به‌عنوان وظیفه‌ای علمی و اخلاقی می‌بایست بیش‌ازپیش مورد توجه پژوهشگران و دست‌اندرکاران مجله‌های علمی قرار گیرد. سردبیران مجله‌ها، مؤسسات و دانشگاه‌ها باید تدابیر لازم را در خصوص سلب اعتبار مقاله‌ها به‌کار گیرند» (مروتی و عرفان‌منش، ۱۳۹۹: ۶۲). این مهم، جز در پرتو اصلاح اشکالات قوانین و مقررات حامی اصالت و امنیت پژوهش و حسن اجرای این موازین حقوقی توسط کنشگران پژوهش (خصوصاً سردبیران، استادان راهنما و داور، ناقدان کتاب‌ها، معاونان و مدیران پژوهشی، اعضای هیئت‌های ممیزه و...) میسر نیست.

۳. نقد قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی و آیین‌نامه اجرایی آن

«قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی» (مصوب ۱۳۹۶) به نارسایی‌های مبتلاست که اصلاح سیاست‌گذاری حقوقی کشور در پیشگیری و مجازات تخلفات و جرائم علیه پژوهش را در ابتدای گام تحول، با

۱. عدم توجه به تفاوت رشته‌ها (به‌ویژه علوم انسانی)، کمی‌گرایی مقاله‌محور، تغییرات مداوم آیین‌نامه، عدم پیش‌بینی امتیاز برای انواعی از فعالیت‌های آکادمیک، رویکرد ساده‌انگارانه تحکمی نسبت به تولید علم و دهها اشکال ریز اما خطرناک و آسیب‌زا، از جمله اشکالات آیین‌نامه‌های دائماً متغیر ارتقاء اعضای هیئت علمی است. جهت مطالعه برخی از این اشکالات، ر.ک. جمالی زواره، (۱۳۹۷).

موانع جدی روبه‌رو می‌کند. گستردگی قلمرو استثنائات مندرج در تبصره (۵) قانون پیش‌گفته، محدودسازی تکالیف پیشگیرانه نهادها به جرائم پژوهشی و غفلت از تکلیف به پیشگیری از تخلفات پژوهشی در تبصره ۷، نقض اصل شخصی بودن مسئولیت حقوقی در تبصره ۹ قانون مزبور که نقض ناموجه حق الزحمه مالی اساتید قانون‌مدار و خدمتگزار به دانشجویانی که پایان‌نامه را دور از چشم اساتید به نحو متخلفانه یا مجرمانه ارائه کرده‌اند و خارج کردن تخلفات پژوهشی طلاب از شمول قانون و اکتفا به فقط جرائم آن‌ها در بند (ت) تبصره ۶، همگی جلوه‌هایی از نارسایی قانون مزبور هستند.

بند (۵) ماده‌واحد قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی (مصوب ۱۳۹۶) مقرر داشته است: «ارائه خدماتی که در جریان تهیه آثار پژوهشی علمی و هنری انجام آن‌ها توسط اشخاص ثالث متعارف است از قبیل خدمات آزمایشگاهی، تایپ، کمک به گردآوری داده‌ها، ترجمه، تکثیر و ویراستاری اثر، مشمول حکم مقرر در این قانون نیست.» نقد راقم این سطور بر این تبصره آن است که گردآوری داده‌ها موضوعی صرفاً شکلی و در ردیف تایپ و ترجمه نیست و نباید بی‌قیدوبند، این‌طور مطلق مجاز و مستثنا از ممنوعیت کلی مقرر می‌شود. نحوه گردآوری داده‌ها، خصوصاً در تحقیقاتی که نتایج آن‌ها کاملاً مبتنی بر عین اعداد و ارقام آماری مورد داده‌کاوی است، موضوعی ماهوی است اکنون مراکز غیرمجاز پایان‌نامه‌نویسی به راحتی از این تبصره سوءاستفاده می‌کنند و در وضعیت کرونا، با قبول سفارش انجام صفر تا صد پایان‌نامه، نه فقط بخش تجمیع داده‌ها بلکه تمام متن پایان‌نامه را مصداق گردآوری داده‌ها قلمداد می‌کنند و از چنگال عدالت کیفری می‌گریزند.

به‌علاوه، ویراستاری نیز باید محدود به ویرایش زبانی می‌شود، وگرنه ویرایش علمی نوعی از ویراستاری است و امری ماهوی است و توجیه ارائه خدمات ویراستاری که اطلاق آن، شامل ویرایش علمی و ماهوی است، اطلاقی قانونی است که مستمسک مجرمان پژوهشی برای فرار از اتهام و مجازات است.

محدودسازی تکالیف پیشگیرانه نهادها به جرائم پژوهشی و غفلت از تکلیف به پیشگیری از تخلفات پژوهشی در تبصره (۷) ماده‌واحد قانون مزبور، ایراد دیگری است که رفع آن، در وضعیت کاهش فعالیت نظارتی نهادهای پیشگیرنده از تخلفات پژوهشی بیش‌ازپیش ضروری به نظر می‌رسد. توضیح آنکه طبق تبصره مزبور، «وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مکلفند جهت پیشگیری از جرائم موضوع این قانون اقدامات زیر را انجام دهند: ۱. ترویج فرهنگ احترام به حقوق مالکیت فکری از طریق گنجاندن دروس ذی‌ربط و اصلاح سرفصل برنامه‌های درسی و برگزاری کارگاه‌های آموزشی؛ ۲. الزام دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی به اعمال نظارت دقیق بر رعایت حقوق مالکیت فکری در آثار علمی و پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی؛ ۳. اعمال مجازات انتظامی اخراج دانشجو یا ابطال پایان‌نامه و رساله یا مدرک تحصیلی در صورت احراز جرم موضوع این قانون با توجه به میزان تخلف؛ ۴. اعمال مجازات انتظامی تنزل رتبه یا پایه عضو هیئت علمی، اخراج یا لغو قرارداد در صورت احراز جرم موضوع این قانون در آثار علمی با توجه به میزان تخلف».

در نقد این تبصره معتقدیم آن دسته از نهادهای آموزشی حوزوی که تابع وزارت علوم هستند و حوزوی محض نیستند (مانند جامعه المصطفی العالمیه و برخی دیگر مؤسسات آموزش حوزوی که رابطه با وزارت علوم هم دارند)، بی دلیل از شمول این تبصره جا مانده‌اند و باید آن‌ها نیز مکلف به اتخاذ این تدابیر پیشگیرانه باشند. به این ترتیب، حصر واژه دانشجو باید در این تبصره اصلاح شود و طلاب حوزوی و دیگر پژوهشگران غیردانشجو که طرح‌های پژوهشی در نهادهای مختلف کشور انجام می‌دهند هم مشمول این تبصره واقع شوند. متأسفانه سراسر این قانون، متمرکز بر دانشجویان دانشگاه‌هاست و گویی عنایتی به پژوهشگران پژوهشگاه‌ها و طلاب حوزوی ندارد. ایراد دیگر اینکه، عبارت «اعمال نظارت دقیق بر رعایت حقوق مالکیت فکری در آثار علمی» نامشخص و مبهم است و فاقد ضمانت اجرا است.

ایراد دیگر، نقض اصل شخصی بودن مسئولیت حقوقی در تبصره «۹» قانون مزبور است. این تبصره، حق الزحمه مالی اساتید قانون‌مدار و خدمتگزار به دانشجویانی که پایان‌نامه را دور از چشم اساتید به نحو متخلفانه یا مجرمانه ارائه کرده‌اند، بی دلیل بلوکه کرده و مانع پرداخت شده است. تبصره «۹» قانون مزبور مقرر داشته است: «حوزه‌های علمیه و همچنین دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، مؤسسه‌های آموزش عالی، پژوهشی فناوری دولتی و غیردولتی زیر نظر وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از جمله دانشگاه علمی کاربردی، دانشگاه آزاد اسلامی، جهاد دانشگاهی، مؤسسه‌های آموزش عالی غیردولتی غیرانتفاعی، مؤسسه‌های وابسته به دستگاه‌های آموزش عالی غیردولتی غیرانتفاعی، مؤسسه‌های وابسته به دستگاه‌های اجرایی و دانشگاه فرهنگیان موظف هستند از این پس پیشنهادها (پروپوزال‌ها)، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویان تحصیلات تکمیلی خود را که فاقد طبقه‌بندی هستند در سامانه‌های اطلاعاتی پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) ثبت و تأیید کرده و فایل تمام متن و نتیجه را همانندجویی کنند. ارائه گواهی ثبت و بازگذاری فایل تمام متن و نتیجه همانندجویی این مدارک برای هرگونه پرداخت مالی به استادان راهنما، مشاور و داور و تخصیص امتیاز در ترفیع و ارتقای آن‌ها و همچنین دانشجویان الزامی است.»

برخلاف تبصره «۸» که نهادهای آموزشی حوزوی از شمول وظایف پیشگیری از جرائم پژوهشی خارج شده بودند و مشمول واقع نشده بودند، این تبصره دچار آن ایراد نیست و به نهادهای حوزوی نیز شمول دارد؛ اما ایراد این تبصره آن است که مشخص نیست آیا پروپوزال‌های غیر از پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری را هم در برمی‌گیرد یا خیر؟ زیرا به‌رغم درج عبارت «پیشنهادها (پروپوزال‌ها)» در کنار عبارت «پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها»، مشخص نیست این کثرت تکرار واژه «دانشجویان» اجازه تفسیر «پروپوزال‌ها» به پروپوزال‌های غیردانشجویی، مثلاً پروپوزال‌های طرح‌های پژوهشی اساتید در پژوهشگاه‌ها را به دست می‌دهد یا خیر. فقدان مقررات الزام به ثبت پروپوزال‌های طرح‌های پژوهشی در دانشگاه‌ها و پژوهشگاه در سامانه ایرانداک، این شبهه را دامن می‌زند. متأسفانه ماده ۶ آیین‌نامه اجرایی این قانون (مصوب ۱۳۹۸) منصرف بودن تبصره «۸»

ماده‌واحد قانون پیش‌گفته از پروپوزال‌های پژوهشی غیردانشجویی را مهر تأیید زده است و به حصر موضوع بر فقط پروپوزال‌های دانشجویی مهر تأیید زده است، زیرا تصریح داشته: «ارائه گواهی ثبت نهایی پایان‌نامه یا رساله در ایرانداک برای فراغت از تحصیل الزامی است. استفاده از امتیاز پایان‌نامه یا رساله مربوط برای ترفیع پایه، ارتقای مرتبه اعضای هیئت‌علمی و تسویه حساب مالی و برخورداری از مزایای مالی آن، منوط به ارائه گواهی ثبت نهایی و مشابهت‌یابی پایان‌نامه یا رساله در ایرانداک است. گواهی مذکور باید به صورت برخط (آنلاین) قابل دسترس باشد.» تسهیل و تسریع‌های بی‌حدومرزی که بر فرایندهای تحصیلی اعمال می‌شود، زمینه سوءاستفاده از عدم ثبت پروپوزال‌های پژوهشی دانشجویی را کاملاً فراهم داشته و ضعف نظارت عینی، زمینه این سوءاستفاده را بیشتر فراهم کرده و اخلاق پژوهش را آسیب‌پذیرتر نموده است.

ایراد دیگر بر آیین‌نامه اجرایی قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی (مصوب ۱۳۹۸)، مربوط به ماده «۹» آیین‌نامه است که تصریح می‌دارد: «در اجرای تبصره (۴) ماده‌واحد قانون، وزارت، افرادی از بازرسان خود را که در وزارت و مؤسسات اشتغال به کار دارند، به‌عنوان ضابط خاص دادگستری تعیین و به منظور طی دوره آموزشی ضابطان دادگستری و دریافت کارت ویژه ضابطان دادگستری به مراجع قضایی مربوط معرفی می‌کند. ضابطان خاص یادشده پس از دریافت کارویژه در حدود قوانین و مقررات انجام وظیفه می‌کنند.» متأسفانه پس از گذشت سه سال از تصویب قانون و یک سال از تصویب آیین‌نامه اجرایی آن، هنوز چارت سازمانی بازرسان شاغل در وزارت و مؤسسات مشخص نیست و ساختار و شرح فعالیت و بیان عملکرد آن‌ها در بوته ابهام است و به نظر می‌رسد فاصله زیادی تا برگزاری دوره آموزشی ضابطان دادگستری و دریافت کارت ویژه ضابطان دادگستری برای بازرسان علمی مذکور باقی مانده است. حذف رابطه حضوری استاد-دانشجو و افت فاحش نظارت‌ها بر پژوهش در برخی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی، به همراه سهل‌انگاری و تأخیر در فعال‌سازی ضابطان ناظر اصالت پژوهش در دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها، اخلاق پژوهش را بیشتر به محاق می‌برد.

۴. نقد «دستورالعمل وزارت عتف در مورد نحوه بررسی تخلفات پژوهشی»

در مورد «دستورالعمل نحوه بررسی تخلفات پژوهشی و مصادیق تخلفات پژوهشی» (مصوب ۱۳۹۳ وزارت عتف) اعمال مجازات‌های نقض بندهایی از این دستورالعمل از جمله بند «ه» در مورد تحریف داده‌ها، بند «ح-۴۱» در مورد عدم پاسخگویی استاد راهنما نسبت به محتوای پایان‌نامه و بند «ک-۵۴» در مورد ضبط سخنرانی‌های افراد بدون اجازه، نیازمند تغییر راهبرد حقوقی وزارت عتف است.

اعمال مجازات‌های نقض بندهایی از دستورالعمل نحوه بررسی تخلفات پژوهشی و مصادیق تخلفات پژوهشی (مصوب ۱۳۹۳ وزارت عتف، به شماره ابلاغ ۲۴۵۶۰۲ در مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۲۵) از جمله بند «ه» در مورد تحریف داده‌ها، قابل نقد است. «بیان ادعا یا پدیده‌ای که واقعی نباشد» جزء مصادیق تحریف داده‌ها برشمرده شده است؛ درحالی‌که در علوم انسانی که محتوای مقالات عموماً مفاهیم ذهنی و انتزاعی و نه اجسام و

اشیاء بیرونی هستند، این عبارت دستمایه محکوم کردن پژوهشگران علوم انسانی به نحو ناروا است. مورد دیگر اینکه، مشخص نیست اگر تحریف داده‌ها توسط افراد ارائه‌کننده خدمات گردآوری داده‌ها به پژوهشگر، همان افرادی که در بند (۵) ماده‌واحد قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی (مصوب ۱۳۹۶) مستثنا از ممنوعیت قانونی اعلام شده‌اند، انجام شود، مسئولیت انتظامی و کیفری این تحریف داده‌ها با کیست؟ با فرد مزبور یا با پژوهشگر یا با هر دو؟ مقررات موجود، فاقد پاسخ‌اند.

ایراد دیگر، همانا بر بند (ح-۴۱) در مورد عدم پاسخگویی استاد راهنما نسبت به محتوای پایان‌نامه وارد است. توضیح آنکه تا چه مدت و تا چه میزان و در چه حدی اساتید راهنما و مشاور که از ارائه خدمات علمی مورد وظیفه قانونی‌شان به دانشجوی کارشناسی ارشد یا دکتری که مشغول تألیف پایان‌نامه و رساله است امتناع می‌کنند را می‌توان قابل اغماض دانست و از چه حدی به بعد، غیرقابل توجیه است و مصداق تخلف استاد محسوب می‌شود؟ ارائه معیارهای نوعی و ضابطه‌مندسازی این موضوع، راه را بر رها کردن دانشجویان توسط اساتید راهنما می‌بندد و مانع وسوسه دانشجویان رهاشده به مراجعه به مراکز پایان‌نامه‌نویسی و یا ارتکاب جرائم و تخلفات پژوهشی توسط شخص ایشان می‌گردد.

بند (ک-۵۴) دستورالعمل مذکور «ضبط، خرید، فروش و سوءاستفاده از سخنرانی‌های افراد بدون اجازه» را تخلف پژوهشی نامیده است. در مورد ضبط سخنرانی‌های افراد بدون اجازه در وبسایت‌های علمی که صرفاً اجازه استماع و نه ضبط صوتی یا تصویری به مستمعان داده شده، همچنین در مورد ضبط پادکست‌های علمی که تا پیش از انتشار آزاد آن‌ها توسط کتابخانه‌های دیجیتال و دیگر مراکز علمی متعاقب پاندمی کووید-۱۹ هیچ امکان دسترسی آزاد و بی‌اجازه قانونی وجود نداشت، اکنون در مقیاس جهانی مورد تغییر اساسی واقع شده و بدون پرداخت مبلغ اشتراک برای دسترسی، در اختیار آزاد برای همه متقاضیان در سراسر جهان قرار گرفته است. قوانین و مقررات حافظ حقوق مالکیت فکری مؤلفان و مترجمان در ایران، باید استثنائات مجرمانه بودن ضبط، خرید و فروش داده‌پیام‌ها و مولتی‌مدیاهای علمی را مشخص کند. برای نمونه، فروش یک پادکست علمی (یک وبینار علمی در دوره شیوع کرونا) توسط یک مستمع و فروش آن توسط وی به دیگر افرادی که در آن وبینار شرکت نکرده و بسیار مایل به در اختیار گرفتن فایل صوتی یا صوتی و تصویری وبینار مذکور هستند، درآمد اقتصادی برای فروشنده فایل وبینار ضبط‌شده ایجاد می‌کند و ممنوعیت قانونی چنین رفتاری از قوانین و مقررات ایران، نقیاً و اثباتاً قابل پاسخ‌دهی آسان نیست.

نگرانی دیگر نسبت به آیین‌نامه اجرایی دستورالعمل نحوه بررسی تخلفات پژوهشی و مصادیق تخلفات پژوهشی به نظر می‌رسد مربوط به «اطلاع‌رسانی از ارتکاب جرم و سلب امتیازات علمی و مالی مرتب بر آن» است که در ماده ۱۱ آیین‌نامه اجرایی مزبور این‌گونه مقرر شده است: «در صورت قطعیت محکومیت صادر شده توسط مراجع موضوع تبصره (۶) ماده‌واحد قانون، مراتب به اطلاع مؤسسه و سازمان اداری و استخدامی کشور

و دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط در مورد کارکنان بخش دولتی می‌رسد و در مورد کارکنان سایر بخش‌ها به نحو مقتضی اطلاع‌رسانی خواهد شد تا نسبت به سلب هرگونه امتیاز مادی یا معنوی مترتب بر آن و لغو اثر هرگونه مدرک تحصیلی، پایه، مرتبه علمی، رتبه یا عناوین مشابه علمی، اقدام قانونی لازم را به عمل آورند.» در دانش جرم‌شناسی، نگرانی از برجسب‌زنی به مجرم به نحوی که مانع اصلاح و بازپروری وی گردد و موجب شرم مخرب و تشدید تجرّی وی گردد و امنیت‌گرایی در سیاست کیفری را تشدید کند، نقد شده است. مجازات باید زمینه اصلاح مجرم را فراهم کند و آبروی وی در معرض نابودی قرار ندهد و مجرم را بی‌حیثیت و مایل به انتقال از جامعه نکند. عبارت «به نحو مقتضی اطلاع‌رسانی خواهد شد» باید از کلیت خارج شود و ضوابط اطلاع‌رسانی به نحوی که بازدارنده و آگاهی‌بخش باشد، اما موجب ظلم فزاینده به مجرم و نابودی ظرفیت انسانی و علمی وی فقط به خاطر یک جرم نگردد، مقررات‌گذاری گردد.

نتیجه‌گیری

بسیاری از انواع تقلب با وضع قوانین و مدیریت آموزشی قابل اجتناب بوده و موجب تقویت اخلاق علمی در نظام آموزش عالی خواهد شد. لازم است سیاست‌گذاران آموزش عالی تدابیر لازم را برای آموزش اخلاق حرفه‌ای به دانشجویان در دوران تحصیل بیندیشند. کاهش تعاملات علمی حضوری، به‌ویژه در دوره پاندمی کووید-۱۹ و تا حدی قابل توجهی پس از آن و نظارت‌های عینی از نظام آموزش و پژوهش، بستر مناسبی برای تحقق یافتن امیال مجرمانه و دل بستن به سهولت ارتکاب جرائم و تخلفات پژوهشی، در وضعیت عدم نظارت عینی اساتید و ناظران پژوهشی بر عملکرد پژوهشگران غیرحرفه‌ای (اغلب دانشجویان کارشناسی ارشد) شده است. حتی دانشجویانی که قصد تقلب در انجام پژوهش خود ندارند نیز عملاً با از بین رفتن امکان کارآموزی پژوهشی حضوری نزد استاد راهنما و استاد مشاور و با تعطیلی کتابخانه‌ها و مراکز پژوهشی، مهارت‌آموزی پژوهشی را طی نمی‌کنند و از سویری تحت فشار ترس از آینده علمی هستند و احساس ضرورت به تسریع در دفاع از پایان‌نامه و فارغ‌التحصیل شدن دارند. این شرایط، وقتی به‌طور مجموعی و به‌تمامه در نظر گرفته شود، حتی بسیاری از دانشجویانی که بدو قصد تقلب پژوهشی ندارند را نیز تحت فشار برای مهیاکردن پایان‌نامه خود «به هر طریق» ولو با نقض اخلاق پژوهش و نقض مقررات ضدتقلب، نوشته‌ای دست‌وپا می‌کند و مترصد دفاع از این پایان‌نامه‌نما و اخذ مدرک تحصیلی خواهد بود.

ابهام در مأموریت‌های مؤسسات پژوهشی و عدم تبیین دقیق آن‌ها، ساختار سازمانی و تشکیلات غیرمتناسب، نظام تأمین مالی ناکارآمد و ایستا، عدم وجود رویه‌های متناسب برای مدیریت نیروی انسانی، فقدان رویه‌ای نظام‌مند برای ارزیابی عملکرد مؤسسات و وجود موانع برای همکاری در سطوح ملی و بین‌المللی گریبان‌گیر مؤسسات پژوهشی دولتی است که باید مد نظر سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران در سطوح مختلف قانونی و راهبردی و اجرایی قرار گیرد.

مقاله، با وارد کردن اشکالاتی بر «قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی» و «دستورالعمل نحوه بررسی تخلفات پژوهشی و مصادیق تخلفات پژوهشی» توضیح داد چگونه این اشکالات، اخلاق پژوهش را بیشتر محدود کرده‌اند. پس از تحلیل تغییر الگوها و توجیهات اخلاق‌گریزی در ارتکاب تخلفات پایان‌نامه‌ها، پیشنهاد اصلاحات قانونی بایسته برای سختی‌افزایی این تخلفات، به هدف پاسداشت حقوق پژوهش و حقوق استاد و دانشجو ارائه شد. نقد سیاست جنایی ایران در «مقابله دانشگاهی» پیشگیرانه و واکنش‌مدار نسبت به جلوه‌هایی قلدری آکادمیک که در «دستورالعمل نحوه بررسی تخلفات پژوهشی و مصادیق تخلفات پژوهشی» (مصوب ۱۳۹۳ وزارت عتف) و در ماده‌واحد قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی (مصوب ۱۳۹۶) به شایستگی مورد سیاست‌گذاری تقنینی قرار نگرفته‌اند، در این جستار نقد شد و برخی راهکارهای اصلاحی پیشنهاد گردید. در پایان، به پیشنهادهای پیش‌گفته، این را نیز باید افزود که به دلیل تفاوت در دانشگاه‌های مختلف کشور و تفاوت موانع در اولویت‌های پژوهشی لازم است مطالعات کیفی در سایت دانشگاه کشور نیز برای شناسایی و برنامه‌ریزی کلان برای حل مشکلات قوانین و مقررات پژوهش و مشکلات اجرای آن‌ها انجام شود.

فهرست منابع

- اسفندیاری، محمد (۱۴۰۱). **کتاب پژوهی؛ پژوهش‌هایی در زمینه کتاب و نقد کتاب**. چاپ اول، تهران: نشر نی.
- جمالی زواره، بتول و دیگران (۱۳۹۷). «واکاوی آیین‌نامه ارتقاء اعضای هیئت‌علمی: چالش‌ها و پیامدها»، **مجله آموزش عالی ایران**، دوره ۱۰، شماره ۱.
- خاقانی اصفهانی، مهدی (۱۴۰۲). «ترمینولوژی بدرفتاری‌های آکادمیک: نقد جرم‌شناختی ناموازنه روابط دانشگاهی قدرت»، **فصلنامه پژوهش حقوق کیفری**، دوره ۱۲، شماره ۴۵.
- خاقانی اصفهانی، مهدی و حاجی ده‌آبادی، محمدعلی (۱۳۹۲). «بومی‌سازی سیاست جنایی با تأکید بر نقد اهم مدل‌های غربی و گفتمان‌های فقهی سیاست جنایی»، **فصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی**، دوره ۴۶، شماره ۱.
- خلیل‌اللهی، ملیکا؛ صادقی، محسن و معظمی، شهلا (۱۴۰۳). «اثر نگرش و مبانی اقتصادی بر سیاست‌گذار کیفری در زمینه مالکیت فکری»، **مجله پژوهش‌های حقوقی**، دوره ۲۳، شماره ۵۹.
- دلماش‌مارتی، می‌ری (۱۳۹۸). **نظام‌های بزرگ سیاست جنایی اسلام**، ترجمه: علی حسین نجفی ابرندآبادی. چاپ چهارم، تهران: نشر میزان.
- رشیدی، زهرا و روحانی، شادی (۱۴۰۱). «مطالعه قلدری دانشگاهی در گروه‌های آموزشی؛ مورد مطالعه (علوم انسانی و فنی مهندسی)»، **فصلنامه آموزش مهندسی ایران**، دوره ۲۴، شماره ۹۳.
- رشیدی، زهرا (۱۴۰۰). **قلدری آکادمیک**. چاپ اول، تهران: انتشارات مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی عالی.
- الستی، کیوان (۱۴۰۰). «مطالعه نقش دستورالعمل‌های مقابله با سوءرفتارهای علمی در سلامت علمی»، **فصلنامه سیاست علم و فناوری**، دوره ۴، شماره ۴.
- سلطانی، علی‌اصغر (۱۳۸۷). **قدرت، گفتمان، زبان**. تهران: چاپ دوم، نشر نی.
- عالیخانی، سکینه؛ حبیبیا، سعید؛ عالی‌پور، حسن و الهی‌منش، محمدرضا (۱۴۰۰). «چالش‌ها و راهکارهای حمایت کیفری از آفریده‌های فکری و هنری مُد (مطالعه تطبیقی نظام‌های حقوقی، ایران، فرانسه و آمریکا)»، **فصلنامه مطالعات فرهنگ ارتباطات**، دوره ۲۲، شماره ۵۶.
- عطاپور، هاشم (۱۴۰۲). **پایگاه‌های اطلاعاتی علم‌سنجی در ایران و جهان**. چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- کشاوری، خدیجه [و همکاران] (۱۴۰۱). «نگاه جامعه‌شناختی به وقوع آزار جنسی در دانشگاه»، **دوفصلنامه مسائل اجتماعی ایران**، دوره ۱۳، شماره ۲.
- مرادی، امیر (۱۴۰۲). **جستارهایی در اخلاق عدالت کیفری و جرم‌شناسی**. چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- مروتی، مرضیه و عرفان‌منش، محمدمامین (۱۳۹۹). «سلب اعتبار پرونده‌های علمی و مصادیق بداخلاقی پژوهشی»، **فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری**، دوره ۱۵، شماره ۴.

نیوبورن، تیم و تریوور، جونز (۱۳۹۴). «انتقال سیاست و عدالت کیفری: بررسی تأثیر آمریکا بر سیاست کنترل جرم بریتانیا»، ترجمه: محمد جوانبخت. چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.

ووداک، روث و میر، مایکل (۱۴۰۲). «روش‌های گفتمان‌پژوهی انتقادی»، ترجمه: محسن نوبخت. چاپ اول، تهران: انتشارات سیاه‌رود.

In Persian

- Alikhani, Sakineh; Habiba, Saeed; Alipour, Hassan and Elahimanesh, Mohammad Reza (2017). "Challenges and Solutions for Criminal Protection of Fashionable Intellectual and Artistic Creations (A Comparative Study of Legal Systems, Iran, France and America)", *Journal of Communication Culture Studies*, Volume 22, No. 56.
- Atapour, Hashem (2023). *Scientometric Databases in Iran and the World*. First Edition, Tehran: Samt Publications.
- Delmas Marti, Miri (2019). *The Great Systems of Islamic Criminal Policy*, Translated by Ali Hossein Najafi Abrandabadi. Fourth edition, Tehran: Mizan Publishing House.
- Elesti, Kayvan (2017). "Study of the Role of Guidelines for Dealing with Scientific Misconduct in Scientific Health", *Quarterly Journal of Science and Technology Policy*, Volume 4, Number 4.
- Esfandiari, Mohammad (2022). *Book Studies; Research in the Field of Books and Book Criticism*. First Edition, Tehran: Nay Publishing House.
- Keshavarz, Khadija [et al.] (2022). "A Sociological Perspective on the Occurrence of Sexual Harassment in Universities", *Iranian Bi-Quarterly Journal of Social Issues*, Volume 13, No. 2.
- Khaghani Esfahani, Mehdi (2023). "Terminology of Academic Misconduct; Criminological Critique of Imbalanced Academic Power Relations", *Quarterly Journal of Criminal Law Research*, Volume 12, Number 45.
- Khaghani Esfahani, Mehdi and Haji Dehabadi, Mohammad Ali (2013). "Indigenization of Criminal Policy with Emphasis on Criticism of Major Western Models and Jurisprudential Discourses of Criminal Policy", *Quarterly Journal of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law*, Volume 46, No. 1.
- Khalilollahi, Malika; Sadeghi, Mohsen and Moazami, Shahla (2014). "The Effect of Economic Attitudes and Principles on Criminal Policy-Making in the Field of Intellectual Property", *Journal of Legal Research*, Volume 23, Number 59.
- Jamali Zavareh, Batoul et. al. (2018). "Analysis of the Regulations for the Promotion of Faculty Members: Challenges and Consequences", *Iranian Journal of Higher Education*, Volume 10, Number 1.
- Marvati, Marzieh and Erfanmanesh, Mohammad Amin (2019). "Discrediting Scientific Outputs and Examples of Research Misconduct", *Quarterly Journal of Ethics in Science and Technology*, Volume 15, Number 4.
- Moradi, Amir (2023). *Essays in the Ethics of Criminal Justice and Criminology*. First edition, Tehran: Mizan Publications.
- Newborn, Tim and Trevor, Jones (2015). "Policy Transfer and Criminal Justice: Examining the American Influence on British Crime Control Policy", translated by Mohammad Javanbakht. First edition, Tehran: Majd Publications.

- Rashidi, Zahra (2021). Academic Bullying. First edition, Tehran: Institute for Higher Educational Research and Planning Publications.
- Rashidi, Zahra and Rouhani, Shadi (2012). "A Study of Academic Bullying in Educational Groups; Case Study (Humanities and Engineering)", Iranian Journal of Engineering Education, Volume 24, Number 93.
- Soltani, Ali Asghar (2008). Power, Discourse, Language. Tehran: Second edition, Ney Publications.
- Wodak, Ruth and Meyer, Michael (2023). "Methods of Critical Discourse Research", Translated by Mohsen Nobakht. First edition, Tehran: Siahroud Publications.